



سلاطین و حاکمان مالزی از سلطان نشین‌های نگری سمبیلان، بهنگ، پراک و سلاتگو در کنار افسران مستعمراتی بریتانیا در زمان برگزاری کنگره دربار در آستانه تنگارا، در شهر کوالا کنگسر در پراک، فدراسیون سلطان نشین‌های مالایا، ۱۸۹۷، منبع: [ویکی‌پدیا](#)

مالزی: ۱۸۷۰-۱۹۶۳ گذار سلطان‌نشین‌های مالایا از قلمروهای تحت‌الحمایه بریتانیا به صخره باثبات مشروطه پادشاهی در دوران جنگ سرد

مقدمه: موزاییک مالزی و چالش جامعه‌ای چندقومی

شبه‌جزیره مالزی برای سده‌ها سکونت‌گاه گروه‌های قومی و مذهبی متنوعی بوده است که این شبه‌جزیره را خانه خود می‌دانند. از این رهگذر، سیاست و حکومت‌گری در این منطقه تابع منافع رقیب گوناگونی بوده است که ممکن بود در گذار به حکومت‌گری مردم‌سالار مانع از برپایی یک مشروطه پادشاهی در این منطقه شوند. مع‌الوصف

پس از ورود بریتانیا در سده نوزدهم به این منطقه و استقرار آن به عنوان یک نیروی غالب استعماری حاکم بر سلطان‌نشین‌های مالایا، نهایتاً این سلاطین، اشرافیت منطقه، جنبش‌های مردمی و نیز اقلیت‌های قومی چینی و هندی دست در دست هم موفق شدند که یک نظام فراگیر مشروطه پادشاهی فدرال را در این شبه‌جزیره حاکم کنند. آنچه تجربه مالزی را نسبت به دیگر کشورهای منطقه - که بسیاری از آن‌ها از زمان استقلال تا کنون دست‌به‌گریبان محاصمات سیاسی داخلی و نظام‌های خودکامه بوده‌اند - متمایز می‌سازد، آن است که علی‌رغم همه کاستی‌ها و چالش‌ها، نظام سیاسی مالزی نمونه‌ای از حکمرانی دموکراتیک، ثبات سیاسی و رشد پایدار اقتصادی بوده است.

از دهه‌های پایانی استعماری تا جنگ اول جهانی: سلطان‌نشین‌های تحت‌الحمایه

منطقه‌ای که امروز کشور مالزی را تشکیل می‌دهد - که شامل شبه‌جزیره مالایا، بخشی از جزیره برنئو و جزایر مجاور آن می‌شود - در طول تاریخ گذرگاه و محل تلاقی فرهنگ‌ها و ادیان گوناگونی بوده است. مالزی به عنوان یکی از شاه‌راه‌های اصلی جاده ابریشم دریایی، از مهم‌ترین مراکز بازرگانی و تجارت بود که بازرگانان خاور دور و خاورمیانه نه تنها بر سر راهشان به شرق و غرب آسیا در آن گرد هم می‌آمدند، که بسیاری از ایشان در جزایر و بنادر بازرگانی آن در کنار مردم بومی منطقه، رحل اقامت می‌افکندند و با اقامت دائم یا کوتاه‌شان ادیان و فرهنگ‌های خود از هندو و بودایی تا اسلام را به منطقه می‌آوردند و این‌چنین به نوبه خود به لحاظ فرهنگی نیز تاثیر بسزایی بر تکرر این منطقه گذاشتند. طبیعتاً به واسطه اهمیت راهبردی منطقه از لحاظ بازرگانی، تا سده پانزدهم امپراتوری چین و پادشاهی سیام (تایلند) بر سر تحت‌الحمایه ساختن شاه‌نشین‌ها و شاهزاده‌نشین‌های این منطقه با یکدیگر در رقابت بودند. تا آنجا که چین در این دوره پادشاهی مالاکا در غرب، شبه‌جزیره مالزی را به یکی از اقمار خراج‌گزار خود تبدیل کرد. اما دیری نپایید که شاه مالاکا به دین اسلام گروید و به تبع او همه از اعیان تا عوام، به سرعت مسلمان شدند تا آنجا که به سبب موقعیت استراتژیک و بازرگانی پررونق مالاکا، دیگر شاه‌نشین‌ها و مردمان آن در جزایر مجاور نیز به اسلام گرویدند. با گسترش اسلام از سده پانزدهم به بعد، قدرت و حکمرانی و روابط اجتماعی

در این منطقه از یک نظام هندو و بودایی و دیگر ادیان غیرابراهیمی آسیایی، به یک نظام اجتماعی-سیاسی اسلامی دگرگون شد.^۱

هم‌زمان با وقوع این دگرگونی‌های ساختاری و بنیادین در دین و فرهنگ منطقه، مکتشفان اروپایی بیش از پیش متوجه اهمیت چندگانه مالزی به عنوان یکی از مراکز تولید ادویه و نیز یکی از مراکز غنی استخراج قلع و دیگر منابع طبیعی و اهمیت استراتژیک آن در دریانوردی از سویی به سوی دیگر آسیا شدند.^۲ در سال ۱۵۱۱، سقوط مالاکا به دست پرتغالی‌ها منجر به جنگ میان سلطان‌نشین‌ها برای پرکردن خلاء قدرت و به‌دست‌گرفتن جایگاه مالاکا در منطقه شد. در سده هفدهم موازنه قدرت به سود قدرت جدید استعماری اروپایی در منطقه یعنی هلندی‌ها و متحد ایشان، سلطان‌نشین جوهر (Johor) به هم خورد و هم‌زمان پادشاهی سیام منطقه شمال شبه‌جزیره مالزی را تحت استیلای خود قرار داد.

با وقوع انقلاب صنعتی و افزایش تقاضا برای منابع طبیعی در سطح جهان از اواخر سده هجدهم، بریتانیا بیش از پیش به مالزی و اهمیت ثبات در مالزی برای تجارت دریایی در آسیا پی برد. در این زمان میان جوامع گوناگون قومی، به‌ویژه جامعه چینی مالایا (که به سرعت در حال رشد بود) و جامعه مالایایی، بر سر ثروت ناشی از صنایع محلی به‌خصوص قلع، اختلافات و منازعات چندی در گرفت. امپراتوری بریتانیا نگران از توسعه این منازعات و تشنجات و عواقب وخیم آن بر بی‌ثباتی منطقه و تاثیر منفی آن بر اقتصاد و بازرگانی، مصمم به کنترل هرچه مستقیم‌تر این منطقه تحت نظارت خود شد.

عملاً تا دهه ۱۸۷۰ حکمرانی استعماری بریتانیا در منطقه، حکومت شماری چند

1. Watson Andaya, Barbara, and Ishii, Youneo, Religious Developments in Southeast Asia c. 1500-1800 (تحوالات دینی در آسیای جنوب شرقی در فاصله ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی), in Tarling, Nicholas ed, The Cambridge History of Southeast Asia (تاریخ آسیای جنوب شرقی کمبریج). Cambridge University Press, 1993. 508-567. <https://doi.org/10.1017/CHOL9780521355056>.

2. Andaya, Leonard Y, Interactions with the Outside World and Adaptations in the Southeast Asian Society, 1500-1800 (تحوالات دینی در آسیای جنوب شرقی و برخوردها و همسازی آن با دنیا خارج), in Tarling, Nicholas ed. The Cambridge History of Southeast Asia (تاریخ آسیای جنوب شرقی کمبریج). Cambridge University Press, 1993. 345-395 <https://doi.org/10.1017/CHOL9780521355056>.

از سلطان‌نشین‌ها در مالایا را در دست داشت. در نهایت، اداره این سلطان‌نشین‌ها به «وزیران مقیم» بریتانیایی یا رایزنان ایشان، که بر سلاطین تحمیل شده بودند، واگذار شد و سلاطین مزبور عملاً حکمرانانی تشریفاتی بیش نبودند. در فاصله سال‌های ۱۸۹۵ و ۱۸۹۶ بریتانیا چهار سلطان‌نشین پراک (Perak)، پهنگ (Pahang)، سلانگور (Selangor) و نگری سمیلان (Negeri Sembilan) را به فدراسیونی از سلطان‌نشین‌های متحد تبدیل کرد که بر خلاف پنج سلطان‌نشین نامتحد دیگر - یعنی جوهر، کلاتان (Kelantan)، کداه (Kedah)، پرلیس (Perlis) و ترانگانو (Terengganu) - تحت اداره مستقیم و متمرکز بریتانیا بودند.

با توجه به تجربه خونین بریتانیا از شورش ۱۸۵۷-۱۸۵۸ هندوستان، بریتانیا به اعطای امتیازات گوناگونی به نخبگان محلی برای تضمین وفاداری ایشان دست زد. از جمله این امتیازات، اعطای حقوق ماهیانه و بازنشستگی به اعیان، اعطای برخی اقتدارات محدود محلی به سلاطین حاکم و تضمین مشروعیت نظام قضایی شرعی به جامانده از دوران پیش‌استعماری در احوال شخصیه (یعنی ازدواج، طلاق و ارث) بود؛^۳ مواردی که در چارچوب نظام حقوقی و قضایی بریتانیا (که صلاحیت رسیدگی به همه امور تجاری و حقوقی و کیفری به جز احوال شخصیه را داشت) وجود داشت.

گرچه منطقه شاهد چند شورش ضد استعماری در اواخر سده نوزدهم بود، اما مجموعه تلاش‌های بریتانیا برای همگراساختن نخبگان محلی و قدرت فائقه نیروی دریایی خود در خاموش کردن موفق و موثر آن‌ها، حاکی از توفیق سیاست نظام استعماری تحت‌الحمایگی بریتانیا در منطقه بود.^۴ در مجموع می‌توان گفت که احساسات ضد استعماری در منطقه، محدود به مقامات میان‌رتبه و متوسط محلی بود. اما این مقامات نه تنها نزد مردم محلی چندان محبوب نبودند که به دیده مردم محلی،

3. Trocki, Carl A. Political Structures in the Nineteenth and Early Twentieth Centuries. In *The Cambridge History of Southeast Asia*,

(در تاریخ آسیای جنوب شرقی کمبریج) «ساختارهای سیاسی در سده نوزدهم و اوایل سده بیستم»، 130-2:79. Cambridge: Cambridge University Press, 1993.

<https://doi.org/10.1017/CHOL9780521355063.003>.

4. Hirschman, Charles. The Making of Race in Colonial Malaya: Political Economy and Racial Ideology (برساخت نژاد در مالایای استعماری: اقتصاد سیاسی و ایدئولوژی نژادی). *Sociological Forum* 1, no. 2 (1986): 330-61.

<https://faculty.washington.edu/charles/new%20PUBS/A51.pdf>.

تنها به این دلیل مخالف حضور استعماری بریتانیا در منطقه بودند که بتوانند پس از خلاص شدن از شر بریتانیا، قدرت ازدست‌رفته پیش‌استعماری خود را بازیافته و دیگر بار آمرانه بر مردم حاکم شوند.^۵ به زعم مقامات بریتانیایی برخی از این شورش‌ها، مانند شورش ۱۸۹۵-۱۸۹۰ در ناحیه پهنگ، ریشه در نارضایتی برخی از سلاطین از تضعیف موقعیت‌شان در نتیجه تفوق سیستم استعماری بریتانیایی بر منطقه بود.^۶ با وجود این، برخی سلاطین، به‌ویژه آنان که حاکمان سلطان‌نشین‌های نامتحد بودند، از میزان بیش‌تری از استقلال در چارچوب نظام استعماری بریتانیا برخوردار بودند. برای نمونه می‌توان از «سلطان ابوبکر»، سلطان جوهر، نام برد که در سال ۱۸۹۵ نخستین سلطان‌نشین بود که پیش‌تاز تصویب نخستین قانون اساسی مدون شد.^۷

نظام استعماری بریتانیا همچنین با اعطای میزانی از مدارای دینی عملا خود را در سطح مردمی، بسیار قابل‌تحمل‌تر کرده بود. بهترین نمونه از این مشروعیت منفعل را می‌توان در مقایسه برخورد بریتانیا، به عنوان قدرت استعماری غیرمسلمان حاکم مالزی، با مسئله حج، و برخورد هلند با همین مسئله در اندونزی در این دوران دید. هلند هر گونه مسافرت تحت عنوان حج را برای مسلمانان تحت سیطره‌اش در جاوه و سوماترا ممنوع کرده بود، در حالی که نه تنها بریتانیا حج را ممنوع نساخته بود که از طریق ناوگان تجاری «توماس کوک و پسر» سفر سالانه حجاج مالزیایی به مکه را نیز تسهیل می‌کرد.^۸

5. Fauzi Abdul Hamid, Ahmad. Malay Anti-Colonialism in British Malaya: A Re-Appraisal of Independence Fighters of Peninsular Malaysia.

(جنبش ضداستعماری مالایایی در مالایای بریتانیا: بازبینی مبارزان استقلال‌طلب در شبه‌جزیره مالزی). *Journal of Asian and African Studies* (Leiden) 42, no. 5 (2007): 371-98.

<https://doi.org/10.1177/0021909607081115>.

6. Smith, Simon C. Moving a Little with the Tide: Malay Monarchy and the Development of Modern Malay Nationalism

(اندک جنبشی به همراه موج: سلطنت مالایایی و ظهور ناسیونالیسم مدرن مالایایی). *Journal of Imperial and Commonwealth History* 34, no. 1 (2006): 123-38.

<https://doi.org/10.1080/03086530500412165>.

7. Stilt, Kristen. Contextualizing Constitutional Islam: The Malayan Experience (بررسی مشروطه اسلامی در متن: تجربه مالزی). *International Journal of Constitutional Law* 13, no. 2 (2015): 407-33.

<https://doi.org/10.1093/icon/mov031>.

8. Slight, John, British Colonial Knowledge and the Hajj in the Age of Empire (دانش استعماری بریتانیا و حج در عصر امپراتوری). *Ryad, Umar, The Hajj and Europe in the Age of Empire* (در کتاب: حج و اروپا در عصر امپراتوری). Leiden: Brill, 2017.

این امتیاز دیگری بود که به میزان زیادی به جلوگیری از بروز احساسات ضد استعماری و تضعیف این احساسات در میان مردم مالایا کمک کرد.

با این حال از اوایل سده بیست پیدایش احساسات ضد استعماری در چارچوب آموزه‌های وحدت اسلامی، که حجاج مالزیایی در سفرهای حج از طریق دیگر حجاج مسلمان با آن آشنا می‌شدند، تحولی نوین در رشد آگاهی سیاسی جامعه مالایا را فراهم آورد.^۹ همچنین عواملی چون بازگشت طلاب مالزیایی از مدارس دینی اسلامی در خاورمیانه و انتشار روزنامه‌های تجددخواهانه به وسیله جوامع قومی هندی و چینی که به شدت از سیاست‌های بریتانیا در منطقه انتقاد می‌کردند بر این موضوع دامن می‌زد. از همه مهم‌تر این که همزمان با این تحولات، کارمندان دولتی در مالزی به نحو روزافزونی از آموزش مدرن برخوردار شدند و ظرفیت حکومت‌های محلی به یمن فشار سلاطین بر بریتانیا برای آموزش کادر حرفه‌ای دیوان‌سالاران دولتی افزایش یافت و زمینه را برای حکومت خودگردان در منطقه آماده کرد.^{۱۰}

استعمارزدایی پرطول و دراز: گذار به فدراسیون تحت‌الحمایه

تا جنگ جهانی اول، توفیق بریتانیا در همگراساختن سلاطین به عنوان وابستگان رانته امپراتوری بریتانیا، عملاً از بروز هر گونه مطالبات ناسیونالیستی برای حق تعیین سرنوشت در مالایا جلوگیری کرده بود. مع الوصف، پس از جنگ جهانی اول، مدیران مستعمراتی بریتانیا به این نتیجه رسیدند که به دلیل عوامل گوناگونی ادامه وضعیت موجود برای همیشه امکان‌پذیر نیست. مهم‌ترین دلیل این تصمیم، خالی شدن خزانه امپراتوری بریتانیا در نتیجه جنگ جهانی اول بود و دولت امپراتوری در نتیجه این استیصال مالی ناچار شد که بودجه اداره مستعمرات و نیز بودجه دفاعی آن‌ها را هم‌زمان به شدت کاهش دهد. از این گذشته، مردمان بسیاری از مستعمرات دوردست با الهام از دکترین «حق تعیین

9. Azizuddin Mohd Sani, Mohd. Free Speech in Malaysia: From Feudal and Colonial Periods to the Present (ازادی بیان در مالزی: از دوران فئودالی و استعماری تا دوران مدرن), Round Table (London) 100, no. 416 (2011): 531-46.

<https://doi.org/10.1080/00358533.2011.609694>.

10. Noh, Abdillah. Malay Nationalism: A Historical Institutional Explanation (توضیحی تاریخ نهادی برظهور ناسیونالیسم مالایایی), Journal of Policy History 26, no. 2 (2014): 246-73. <https://doi.org/10.1017/S0898030614000050>.

سرنوشت» وودرو ویلسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، خواهان حکومت خودگردان داخلی یا کسب استقلال کامل بودند، و بریتانیا شاهد بروز فزاینده ناآرامی در این مستعمرات بود.^{۱۱}

این چنین بریتانیا فرآیند استعمارزدایی در بسیاری از مستعمراتش را پس از جنگ اول جهانی آغاز کرد و این فرآیند، که چند دهه به طول انجامید، نهایتاً پس از پایان جنگ دوم جهانی و در آستانه جنگ سرد شتاب یافت. از همان آغاز که بریتانیا در پی کامل کردن پروژه استعمارزدایی بود، سیاست‌گزاران بریتانیایی امیدوار بودند که «نقشه بزرگ» خود را جامه عمل بپوشانند؛ نقشه‌ای که به موجب آن مستعمرات بریتانیا در مالایا پس از استقلال، هم‌زمان حافظ منافع تجاری بریتانیا و سدی در برابر توسعه کمونیسم در آسیا باشند.^{۱۲}

از دوران میان دو جنگ جهانی تا سال ۱۹۴۵: پیدایش طبقه متوسط و طبقه کارگر شهرنشین و ظهور جامعه مدنی

در فاصله سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۱، ورود شمار فزاینده‌ای از کارگران مهاجر چینی به شبه‌جزیره مالایا نقطه عطفی در هویت‌گرایی قومی در منطقه را رقم زد. جوامع چینی مالایا، که شاهد اعطای امتیازات گوناگون از سوی بریتانیا به سلاطین مالایا بودند، انتظار داشتند که بریتانیا به ایشان نیز متقابلاً امتیازات مشابهی از جمله حق مشارکت در تصمیم‌گیری درباره امور محلی را بدهد. از دهه ۱۹۳۰ به بعد، بسیاری از جوامع قومی شروع به تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های مدنی گوناگونی برای خود کردند تا از طریق آن‌ها به طرح مطالبات خود برای بهبود وضعیت جامعه‌شان در حوزه‌های گوناگون بپردازند.

11. Kratoska, Paul, and Ben Batson. Nationalism and Modernist Reform. In *The Cambridge History of Southeast Asia* (در تاریخ آسیای جنوب). ناسیونالیسم و اصلاح‌گرایی متجدد. Cambridge: Cambridge University Press, 1993. 249-324.

<https://doi.org/10.1017/CHOL9780521355063.006>

12. Ibid.

از جمله این مطالبات می‌توان از مطالبه حق فرصت‌های برابر استخدامی در کادر اداری استعماری، بهبود وضعیت کارگران و بهبود خدمات شهری یاد کرد.^{۱۳} سازمان‌های مدنی گوناگون مالایایی، هندی و چینی - که شامل انجمن‌های محلی، سازمان‌های جامعه مدنی شهری، روزنامه‌ها و انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای می‌شدند - هر یک به نوبه خود در صدد بهبود وضعیت‌شان در چارچوب نظام استعماری بریتانیا در منطقه بودند.^{۱۴} بی‌تردید رشد و تکاپوی این گروه‌ها و سازمان‌ها تا حدودی از سیاست جانبدارانه بریتانیا در جهت تحیب مردم مالایا سرچشمه می‌گرفت.

این دوران شاهد برپایی انجمن محلی جوانان مسلمان یا «کائوم مودا» بود که از طریق انتشارات دینی‌اش، به‌خصوص مجله «الامام» (آغاز انتشار: ۱۹۰۶)، به طرح موضوع آزادی سیاسی دست زد. روزنامه‌ها نیز که در این دوره از محبوبیت بسیاری برخوردار بودند، تبدیل به بلندگوی مطالبات گروه‌های گوناگون برای دگرگونی حکمرانی محلی و شیوه مدیریت استعماری بریتانیا شده بودند. انعکاس افکار عمومی در روزنامه‌ها تا آن‌جا موثر بود که حکمرانی استعماری بریتانیا دست به تجدید سازمان شورای فدرال مالایا زد؛ سازمانی که پیش از جنگ اول جهانی تشکیل شده بود. هدف اصلی حکمرانی استعماری بریتانیا از برپایی شورای فدرال، دادن نمایندگی به کشاورزان بریتانیایی و کسب‌وکار ایشان در کنار اعضای مالایایی و دیوان‌سالاران بریتانیایی در اداره مستعمرات منطقه بود. اما در نتیجه‌ی فشار افکار عمومی از طریق روزنامه‌ها، بریتانیا ناچار شد که دایره نمایندگی در شورای فدرال را به نمایندگانی از جوامع چینی و هندی

13. Hutchinson, Francis E. *Malaysia's Independence Leaders and the Legacies of State Formation Under British Rule* (رهبران استقلال مالزی و میراث برساختن یک کشور تحت)، *Journal of the Royal Asiatic Society* 25, no. 1 (2015): 123-51.

<https://doi.org/10.1017/S1356186314000406>. Also see Rusenko, Rayna M. *Imperatives of Care and Control in the Regulation of Homelessness in Kuala Lumpur, Malaysia: 1880s to Present* (ضرورت‌های مراقبت و نظارت بر پدیده خانه‌به‌دوشی در کوالالامپور) (*Urban Studies* (Edinburgh, Scotland) 55, no. 10 (2018): 2123-41. <https://doi.org/10.1177/0042098017710121>.

14. Lees, Lynn Hollen. *Urban Civil Society: The Context of Empire* (جامعه مدنی) (*Historical Research: The Bulletin of the Institute of Historical Research* 84, no. 223 (2011): 135-47.

<https://doi.org/10.1111/j.1468-2281.2009.00537.x>.

توسعه دهد.^{۱۵}

گرچه جنگ جهانی اول به ورشکستگی کامل بریتانیا نینجامیده بود، مدیران مستعمراتی در صدد برآمدند که با ابتکاری نوآورانه دو معضل «نیاز به صرفه‌جویی در مخارج اداره مستعمرات» و «مطالبات فزاینده مردم این مستعمرات برای مشارکت در اداره آن» را همزمان چاره‌جویی کنند. این ابتکار همانا سیاست استخدام کارمندان دون‌پایه مستعمراتی در بخش «خدمات اداری مالایا» از میان مردم مستعمرات بود که نه تنها هدف صرفه‌جویی در مخارج اداره مستعمرات را برآورده می‌ساخت، که به همگراکردن بخشی از جمعیت که خواهان مشارکت بیشتر در اداره مستعمرات بودند و مدیریت موثر احساسات ضد استعماری ایشان به سود بریتانیا کمک می‌کرد. بدین‌سان، پس از موفقیت در همگراکردن نخبگان محلی، اکنون مدیران مستعمراتی به امر همگراکردن عامه اتباع سلطان‌نشین‌ها مشغول بودند. تشکیل شوراهای قانون‌گذاری «محدود» در سطح محلی، ابتکار دیگری بود که با نام فریبده‌اش نهاد جدیدی را برای مشارکت مردم محلی در اداره امورشان فراهم می‌ساخت.^{۱۶}

افزون بر این، مدیران مستعمراتی شروع به استخدام جوانان تحصیلکرده، به‌ویژه فارغ‌التحصیلان موسسات آموزش عالی، از میان خانواده‌های اعیان و عامه در سرویس اداری مستعمرات کردند. چند دهه بعد، شماری از این کارمندان جوان تحصیلکرده بخش خدمات اداری مالایا، همان مردان میان‌سال مجربی بودند که حزب ملی‌گرای «سازمان اتحاد ملی مالایا» یا امنو (UMNO) را بنیان‌گذاری کردند.^{۱۷}

15. Fook-Seng, Philip Loh. Malay Precedence and the Federal Formula in the Federated Malays States, 1909 to 1939 (سابقه تاریخی مالایا و فرمول فدرالی برای فدراسیون) (Journal of the Malaysian Branch of the Royal Asiatic Society, 45, no. 2 (222) (1972): 29-50. Accessed August 16, 2021. <http://www.jstor.org/stable/41492059>).

16. Trocki, Carl A. Political Structures in the Nineteenth and Early Twentieth Centuries, In The Cambridge History of Southeast Asia (ساختارهای سیاسی سده نوزده تا اوائل سده 20، در تاریخ آسیای جنوب شرقی کمبریج)، 130-2:79. Cambridge: Cambridge University Press, 1993. <https://doi.org/10.1017/CHOL9780521355063.003>.

17. Hutchinson, Malaysia's Independence Leaders and the Legacies of State Formation Under British Rule (رهبران استقلال مالزی و میراث برساختن یک کشور تحت حکمرانی بریتانیا)، 129-134.

ظهور طبقه کارمندان حرفه‌ای و اداری مستعمرات مالایا

به یمن ساختار غیرمتمرکز و غیرمستقیم حکمرانی مستعمراتی بریتانیا، فدراسیون سلطان‌نشین‌های متحد و سلطان‌نشین‌های غیرمتحد، هر دو تحت‌الحمایه بریتانیا بودند. گرچه فدراسیون سلطان‌نشین‌های متحد با نظام خدمات اداری متمرکز اداره می‌شدند، از نهادهای گوناگون حکمرانی - از جمله شوراهای کشوری، قوانین، نظام قضایی و دیوان‌های عالی کشور - برخوردار بودند. با مشارکت فعال در این نهادها، نخبگان مالایایی حس تاریخی، دینی، فرهنگی و جغرافیایی مشترک مالایایی‌شان را بیش از پیش تجربه می‌کردند.^{۱۸} در ادامه سیاست‌های صرفه‌جویی و استعمارزدایی و با توجه به تجربه اداره فدراسیون سلطان‌نشین‌های متحد، حکمرانان مستعمراتی بریتانیا بر آن شدند که اداره سلطان‌نشین‌های غیرمتحد را مانند سلطان‌نشین‌های متحد به نظامی متمرکز تبدیل کنند، اما این تصمیم با مخالفت شدید سلاطین سلطان‌نشین‌های غیرمتحد - که نگران کاهش خودمختاری هرچند محدودشان بودند - مواجه شد و در نتیجه دیوان‌سالاران بریتانیا در صدد برآمدند به شیوه گام‌به‌گام و جزء‌به‌جزء به اهداف‌شان دست یابند. در مجموع، نتیجه این سیاست‌ها منتج به حرفه‌ای شدن بخش خدمات عمومی مالایا شد، تا آن‌جا که در آستانه جنگ دوم جهانی کادر اداری مستعمرات مالایا از شمار بسیاری از کارمندان موفق حرفه‌ای و تحصیلکرده تشکیل شده بود که باور داشتند سیستم اداری مالایا برای حکومت خودگردان مالایایی آماده است.^{۱۹}

نخستین گذار، ۱۹۴۸-۱۹۴۵: مذاکرات استقلال

اشغال مالایا به دست ژاپن در فاصله سال‌های ۱۹۴۱-۱۹۴۵ نقطه عطفی تاریخی را در تغییر دیدگاه نخبگان و عامه نسبت استعمارزدایی در منطقه رقم زد. گرچه اشغالگران ژاپنی خود را به عنوان یک نیروی آزادی‌بخش پان‌آسیایی به مردم مالایا معرفی کردند، اما در نهایت مردم محلی تفاوت اندکی میان ایشان و استعمارگران بریتانیایی از نظرگاه رفتار امپریالیستی دیدند. از آن گذشته، سیاست‌های اشغالگرانه ژاپنی‌ها و رفتار جانبدارانه آن‌ها نسبت به مالایایی‌ها، منجر به تحریک احساسات ناسیونالیستی در میان

18. Ibid.

19. Noh, Abdillah. Malay Nationalism: A Historical Institutional Explanation (246-73). ناسیونالیسم مالایی: یک توضیح نهادی تاریخی.

دیگر گروه‌های قومی در مالایا شد.

سال‌های ۱۹۴۶-۱۹۴۸، نقطه عطف دیگری برای ناسیونالیسم و پوپولیسم در مالایا بود. دولت کارگر کلمنت آتلی (Clement Attlee) که زمام امور را در آخرین ماه‌های جنگ پس از شکست دادن محافظه‌کاران به رهبری چرچیل در بریتانیا به دست گرفته بود، مصمم به اعطای خودگردانی یا استقلال به همه مستعمرات بود و در این میان مالایا مستثنی نبود.^{۲۰} گرچه همه سلطان‌نشین‌های مالایا تا این زمان تحت کنترل و حاکمیت دیوان‌سالاران مقیم بریتانیایی در کنار سلاطین‌شان بودند، اما از این زمان به بعد قدرت مسلط، همان نجیب‌زادگانی بودند که به عنوان رهبران نخبه سیاسی کنترل احزاب دست‌راستی را در دست داشتند.

سال ۱۹۴۶ بریتانیا تصمیم خود را برای متحد کردن همه ممالک مالایا تحت یک اتحادیه مالایایی متمرکز و نوین اعلام کرد؛ تصمیمی که بلافاصله با واکنش منفی مردم این ممالک مواجه شد. جناح‌های گوناگون ملی‌گرای مالایا، که تحت سلطه اشراف سلطان‌نشین‌ها بودند، با تبعیت از سلاطین سلطان‌نشین‌های خود از تسلیم اقتدار محلی آن‌ها به حکومت مرکزی پیشنهادی، خودداری کردند. در این میان مردم ترجیح می‌دادند که سلطان‌نشین‌های تاریخی دست‌نخورده باقی بمانند و آن‌ها که به نظام جدید متمرکز بی‌اعتماد بودند، به نجیب‌زادگان و سلاطین پیوستند و در نتیجه مخالفت با این تصمیم به زودی به یک مقاومت عمومی ملی تبدیل شد. در نتیجه این مخالفت‌ها، بریتانیا از نظام متمرکز مورد نظرش دست برداشت و به مذاکره مستقیم با امنو مبادرت ورزید. این رویدادها موجب شد که نخبگان - که تا این‌جا در تقاضای استقلال از مردم عقب افتاده بودند - در این زمان سازمان اتحاد ملی مالایا یا امنو را تشکیل دهند. جامعه‌اندیشان مالایا در همین زمان به تشکیل «کنگره هندی مالایا» یا میک (MIC) دست زد و در سال ۱۹۴۹ جامعه چینی سازمان «جامعه چینی مالایا» (MCA) را تشکیل داد.

20. Stockwell, A. J., MERDEKA! Looking back at Independence in Malaya, 31 August 1957 (1957 اگوست 31 مالایا، بازنگری استقلال مالایا، Indonesia and the Malay World 36, no. 106 (2008): 327-44. <https://doi.org/10.1080/13639810802450308>



یک معدن قلع در پراک، مالایای بریتانیا، ۱۹۰۶، منبع: [Britishmalaya](#)

در همین هنگام کمونیست‌های مالایا برای آغاز جنگ علیه بریتانیا به آماده‌سازی خود پرداختند. از آنجایی که قلع و کائوچو (ماده سازنده لاستیک)، منبع اصلی تولید ثروت برای مالایای بریتانیا شده بود، کمونیست‌ها در جذب شمار بسیاری از کارگران چینی موفق شده بودند. تشکیل نیروی شبه‌نظامی کمونیست‌ها به دوران اشغال ژاپن باز می‌گشت. در این دوران کمونیست‌ها به کمک افسران نیروی ویژه بریتانیا تبدیل شدند به یک نیروی شبه‌نظامی موثر علیه اشغالگران ژاپنی و پیروزی‌های چندی را علیه ایشان به دست آوردند.^{۲۱} اگرچه بریتانیا پس از جنگ با مدال و نشان‌های گوناگون از رهبران

21. Belogurova, Anna. The Chinese International of Nationalities: The Chinese Communist Party, the Comintern, and the Foundation of the Malayan National Communist Party, 1923–1939 (ملیت‌های بین‌المللی چینی‌ها: حزب کمونیست چین، کمیترن، و بنیان‌گذاری)، *Journal of Global History* 9, no. 3 (2014): 447–70. <https://doi.org/10.1017/S1740022814000205>.

کمونیست قدردانی کرده بود، مذاکرات میان امنو و بریتانیا برای کسب تدریجی استقلال در سال ۱۹۴۶ برای رهبران کمونیست، نشانی بدشگون از تفوق احزاب دست‌راستی بر سرنوشت سرزمین مالایا داشت. در نتیجه کمونیست‌ها به جنگل‌های مالایا پناه بردند و سلاح‌های خود را - که پس از جنگ در این جنگل‌ها خاک کرده بودند - بیرون آوردند و به بسیج و سازماندهی نیروهایشان برای آغاز یک جنگ چریکی علیه بریتانیا پرداختند. در سال ۱۹۴۸ کمونیست‌ها رسماً جنگ چریکی علیه بریتانیا را آغاز کردند. بریتانیا متقابلاً به عملیات جنگی ضدچریکی علیه کمونیست‌ها، عنوان «وضعیت اضطراری مالایا» داد و جنگ تا شکست کمونیست‌ها در سال ۱۹۶۰ ادامه یافت.^{۲۲}

با پیوستن مردمان شهرنشین به احزاب گوناگونی که با یکدیگر بر سر به‌دست آوردن جایگاهی سر‌میز مذاکره با بریتانیا با رقابت می‌کردند، روزنامه‌ها به رسانه اصلی تعیین دیدگاه‌های رقیب درباره نظام حاکم بر مالایا در دوران پساستعماری تبدیل شدند.^{۲۳} آنچه درباره این مذاکرات جلب‌نظر می‌کرد، تلاش رهبران نجیب‌زاده امنو بود در معرفی خود به عامه مردم به منزله قهرمانان واقعی ملی‌گرای مالایایی و مقصر جلوه‌دادن سلاطین ممالک مالایا در به‌استعمار کشیدن آن در نتیجه‌ی بستن معاهدات استعماری با بریتانیا. در نهایت سلاطین ممالک مالایا نیز با رهیافتی محافظه‌کارانه‌تر به نجیب‌زادگان و نخبگان سیاسی در جنبش ناسیونالیستی مالایا پیوستند.^{۲۴}

باید در نظر داشت که در این دوران اقوام گوناگون مالایا به یکدیگر بی‌اطمینان و از یکدیگر هراسان بودند؛ به‌خصوص که ناسیونالیست‌های مالایایی مصمم بودند منافع جامعه خود را علیه جوامع چینی و هندی، که خود نگران تبدیل شدن به شهروندان درجه دوم مالایا در دوران پساستعماری بودند، حفظ کنند.^{۲۵} در عین حال مخالفت مشخصی علیه به‌وجود آمدن یک هویت فراگیر مالایایی در میان مردم برخی از ممالک مالایا

22. Azmi Arifin. Local Historians and the Historiography of Malay Nationalism, 1945-57: The British, The United Malays National Organization (UMNO) and the Malay Left (مورخان محلی و تاریخ‌شناسی ناسیونالیسم مالایایی، 1945-57: بریتانیایی‌ها، سازمان ملی اتحاد) Kajian Malaysia: Journal of Malaysian Studies 32, no. 1 (2014): 1-35.

23. Azizuddin Mohd Sani, 533-537.

24. Smith, 130-133.

25. Amoroso, Donna J. Dangerous Politics and the Malay Nationalist Movement, 1945-47 (سیاست‌های خطرناک و جنبش ناسیونالیسم مالایا ۱۹۴۵-۴۷) South East Asia Research 6, no. 3 (1998): 253-80. <https://doi.org/10.1177/0967828X9800600303>.

وجود داشت. برای نمونه در سال ۱۹۴۶، کادر کارمندان بخش دولتی در سلطان‌نشین جوهر دست به تظاهرات اعتراضی علیه سلطان جوهر زدند و او را به خاطر پیوستن به مذاکرات استقلال با بریتانیا به نقض قانون اساسی جوهر متهم کردند.^{۲۶}

به دنبال کشیده شدن مذاکرات از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۷، ائتلاف دیگری از گروه‌های کنشگر - یعنی «شورای اقدام مشترک فراگیر مالایا» - خواهان تدوین یک قانون اساسی مردم‌محور شدند که در آن اسلام به عنوان مذهب رسمی همه ممالک اعلام می‌شد و در عین حال هر یک از ممالک از خودمختاری کامل در اتحادیه نوپا برخوردار می‌شدند.^{۲۷} در نهایت، در نتیجه مذاکرات ۱۹۴۶-۱۹۴۷، «فدراسیون مالایا» در فوریه ۱۹۴۸ بنیان‌گذاری شد. در فدراسیون جدید، حقوق فردی چندی برای مردم مالایا و اقتدارات مشخصی برای سلاطین سلطان‌نشین‌ها تضمین شده بود. در پاسخ به برپایی این فدراسیون بود که کمونیست‌ها با تشکیل ارتش آزادی‌بخش مالایا (MLNA) علیه فدراسیون و بریتانیا وارد مبارزه مسلحانه شدند.

دومین گذار، ۱۹۴۸-۱۹۵۷: از «وضعیت اضطراری مالایا» تا دیالکتیک مشروطه و استقلال (Merdeka)!

در انتخابات شهرداری سال ۱۹۵۲، با وجود اینکه داتوک. ان جعفر، بنیان‌گذار حزب امنو، امیدوار بود که حزبی برای همه مردم مالایا باشد، اما احزاب گوناگون قومی به جای تشکیل یک حزب چندقومی، ترجیح دادند تحت یک ائتلاف بزرگ در کارزار انتخابی شرکت کنند. امنو و MCA تحت یک لیست انتخاباتی مشترک در انتخابات شرکت کردند و MIC مدتی بعد به لیست آن‌ها پیوست. در نهایت همه این احزاب در یک حزب به نام «حزب اتحاد» با یکدیگر متحد شدند. در نخستین انتخابات شورای قانون‌گذاری فدرال در سال ۱۹۵۵، حزب اتحاد اکثریت قریب به اتفاق کرسی‌ها یعنی ۵۱ کرسی از ۵۲ کرسی موجود در شورا را به چنگ آورد و بدین سان به عنوان مذاکره‌کننده اصلی در مذاکرات کسب استقلال کامل از بریتانیا بر سر میز مذاکره نشست؛ فضایی که شامل تشکیل یک کمیسیون تدوین قانون اساسی نیز می‌شد.

26. Hutchinson, 145.

27. Harding, Andrew. The Constitution of Malaysia: a contextual analysis (قانون) (اساسی مالزی: تحلیل محتوایی), Oxford: Hart Publishing, 2012. 25.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، به دنبال شورش مسلحانه کمونیست‌ها در سال ۱۹۴۸، بریتانیا مصمم بود که مالایا ضامن منافع تجاری بریتانیا و سدی در برابر توسعه کمونیسم باشد و گذار، مرحله‌ای حساس در به انجام رسیدن این طرح بود. بر خلاف تصور کمونیست‌ها، برگزاری انتخابات محلی و فدرال به شدت موضع کمونیست‌ها را نزد افکار عمومی تضعیف کرد.^{۲۸} با فرارسیدن سال ۱۹۵۲، عوامل چندی در توفیق بریتانیا برای به‌حاشیه‌راندن کمونیست‌ها موثر بود؛ «تاکتیک‌های خشونت‌آمیز کمونیست‌ها برای وادار کردن روستاییان به همکاری با ایشان که باعث خشم عامه علیه ایشان شد»، «تبلیغات ضد کمونیستی بریتانیا که در این میان بسیار موفق بود» و «استراتژی جنگ ضد چریکی بریتانیا و متحدانش که چریک‌ها را بیش از پیش به عمق جنگل‌ها راند و ایشان را منزوی کرد». در پایان، بریتانیا بسیاری از روستاییان چینی دوره‌گرد - که منبع کمک به چریک‌ها بودند - را در زمین‌های متعلق به سلاطین مالایا اسکان داد و این‌گونه موفق به آرام کردن مناطق غیرشهری شد.

در ضمن مذاکرات برای به‌رسمیت‌شناختن شهروندی فراقومی در میانه دهه ۱۹۵۰، بریتانیایی‌ها خود را عملاً در محاصره‌ای یافتند که در آن از چهار طرف به وسیله جوامع قومی چینی، هندی و مالایایی و نیز اشخاص حقیقی و حقوقی تجاری بریتانیایی محاصره شده بودند و این درست در زمانی بود که بریتانیا در صدد بود هر چه سریع‌تر خود را از شر مستعمرات و معضلات مربوط به آن‌ها خلاص کند و سیاست خود را بر حل معضلات اقتصادی خود و جنگ سرد معطوف کند.^{۲۹} رهبر امنو، یعنی پرنس تونکو عبدالرحمن (برادر سلطان کداه که به واسطه عضویت‌اش در یک خاندان سلطنتی شخصاً خواهان حفظ سلطان‌نشین‌ها بود)، در این زمان به عنوان سروزیر مالایا رهبری مذاکرات را بر عهده داشت. او هم‌زمان دو هدف همبسته، یعنی متحد کردن

28. Stockwell, A.J. Malaysia: The Making of a Grand Design (نقشه) «پیدایش»: مالزی: *Asian Affairs* (London) 34, no. 3 (2003): 227-42.

<https://doi.org/10.1080/0306837032000136279>.

29. See White, Nicholas J. British Business Groups and the Early Years of Malayan/Malaysian Independence (کسب و کارهای تجاری بریتانیایی و سال‌های آغازین استقلال) *Asia Pacific Business Review* 7, no. 2 (2000): 155-76.

<https://doi.org/10.1080/713999080>. and Stockwell, A.J. Malaysia: The Making of a Grand Design (مالزی: پیدایش نقشه بزرگ).

سلطان‌نشین‌های تاریخی تحت یک نظام فدرال و اعلام اسلام به عنوان مذهب رسمی این کشور جدید را دنبال می‌کرد.³⁰



پرنس تونکو عبدالرحمن در میدان استقلال کوالالمپور در حضور مقامات بریتانیایی و سلاطین مالایا در مراسم اعلام استقلال در ۱۹۵۷: مردِ کا! مردِ کا! مردِ کا! (استقلال! استقلال! استقلال!)، منبع: [Cloudfront](#)

سال ۱۹۵۶ کمیسیون استقلال برای تدوین قانون اساسی مالایای مستقل تشکیل شد. این کمیسیون، که به سرپرستی لرد رید - حقوق‌دان برجسته بریتانیایی - برپا شده بود، کمیسیون مختلطی بود از دو حقوق‌دان هندی و پاکستانی (که هر دو مسلمان بودند) و نیز یک حقوق‌دان بریتانیایی دیگر به همراه یک حقوق‌دان استرالیایی. کمیسیون از همه طرف‌های ذی‌نفع مالایایی - یعنی از سلاطین، اعیان و نجیب‌زادگان، احزاب سیاسی و

30. Harding, Andrew. *The Constitution of Malaysia*, 25 (قانون اساسی مالزی).

گروه‌های دینی، به خصوص انجمن اسلامی مالایا و شورای مسیحی مالایا - اقدام به نظرخواهی کرد.^{۳۱}

نهایتاً کمیسیون قانون اساسی، به تدوین یک نظام مشروطه پادشاهی انتخابی، که در آن رئیس کشور از میان یکی از سلاطین ۹ سلطان‌نشین بنیان‌گذار فدراسیون انتخاب می‌شد، به عنوان نظام سیاسی کشور پرداخت. در این سیستم، مقام سلطان مشروطه اصولاً مقامی تشریفاتی است. پارلمان بر اساس این قانون اساسی، دو مجلسی است؛ دیوان راکیات (Dewan Rakyat) یا مجلس سفلی که همه اعضای آن منتخب مردم هستند و این مجلس قوه اصلی قانون‌گذاری است و دیوان نگارا (Dewan Negara) یا مجلس اعلی که اعضای آن به وسیله اعضای مجالس قانون‌گذاری سلطان‌نشین‌ها انتخاب می‌شوند. مجالس قانون‌گذاری سلطان‌نشین‌ها از قدرتی هم‌عرض با پارلمان فدرال در وضع قوانین کیفری و قوانین شرعی مدنی برخوردارند و می‌توانند نظام قضایی خود را هم‌عرض نظام فدرال داشته باشند.^{۳۲} قانون اساسی همچنین به همه شهروندان ۲۱ سال به بالا، حق رأی اعطا کرد.^{۳۳}

با وجود این، تشکیل فدراسیونی چندقومی در سرزمینی که هیچ یک از اقوام از اکثریت مطلق برخوردار نبود، دشوارترین چالش را در برابر کمیسیون لرد رید قرار داد. از آغاز، گروه‌های اسلامی با توجه به سابقه تاریخی‌شان در تعلق به جنبش اتحاد اسلام در پایان سده نوزدهم، خواهان اصلی در قانون اساسی بودند که اسلام را مذهب رسمی کشور اعلام کند. ایشان همچنین خواهان آن بودند که نه تنها غیرمسلمانان باید از حق شهروندی محروم باشند، که باید ثابت کنند در همه حوزه‌های سیاسی و فرهنگی و آموزشی به کشور وفادارند.^{۳۴} سلاطین و نجیب‌زادگان و نیز رهبران مسیحی، هر یک به دلایل خاص خود با این خواسته‌ها مخالف بودند. به باور سلاطین و نجیب‌زادگان ممالک سلطان‌نشین، هر یک از ممالک ایشان در قانون اساسی سلطان‌نشین خود اصل اسلام به عنوان مذهب رسمی را ملحوظ کرده بودند و بدین سان قرارداد چینی اصلی

31. Ibid.

32. Ibid. ۸۵-۱۱۱.

33. Ibid. ۱۶۱-۱۹۲.

34. Stilt, Contextualizing constitutional Islam (بررسی مشروطه اسلامی در متن: تجربه مالزی)

۴۱۰-۴۲۰.

در قانون اساسی فدرال در مخالفت با اقتدارات مختص ایشان بود. از دیگر سوی، رهبران مسیحی بر این اعتقاد بودند که لحاظ کردن این اصل در قانون اساسی کشور با واقعیات جمعیتی در تضاد است؛ کشوری که نه فقط مسلمانان در آن زمان، کم‌تر از ۵۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دادند، که هیچ قوم دیگری در آن از اکثریت مطلق برخوردار نبود.

در پایان، به واسطه پافشاری حقوق‌دان پاکستانی عضو کمیسیون، اسلام به عنوان مذهب رسمی و اصلی بنیادین برای فدراسیون نوپا تصویب شد ولی در عین حال قانون اساسی، آزادی مذهب برای غیرمسلمانان را نیز به رسمیت شناخت.^{۳۵} قانون اساسی ۱۹۵۷ همچنین زبان مالایایی را به عنوان زبان رسمی کشور اعلام کرد اما آموزش دیگر زبان‌های قومی را برای آن اقوام نیز مجاز اعلام کرد. این چنین کمیسیون رید، به اهداف مورد نظر حزب اتحاد به رهبری پرنس تونکو عبدالرحمن جامه عمل پوشاند.

“MINUTE MAN” IN MALAYA

This young Malayan soldier is guarding a strategic area. Not an arsenal, not an atom bomb plant — but, in its own way, just as important to the United States.

The “protected place” is a large rubber plantation in Malaya. Today, the freedom-loving people of Malaya are waging a bitter shooting war with hit-and-run Communist bandits who are bent on disrupting the country’s vital natural rubber production.

Malaya supplies nearly half of the world’s natural rubber. The lack of such rubber would affect the security of all the free nations.

In spite of the severe handicaps of trying to fight a jungle-hidden enemy, Malaya has succeeded in stemming the Communist tide. Malayan rubber production has been maintained. The rubber planter continues to work his rubber land, though it means risking his life every hour of the day and night.

In their fight against the Communists in Malaya, the people of this important Southeast Asian country are maintaining an outpost of freedom and democracy in the very shadow of the Iron Curtain.



RUBBER TREES SUPPORT DEMOCRACY—FOR MALAYA and THE WORLD



RUBBER COOPERATIVES have central processing plants which bring smallholders better prices.



ONE OF MALAYA'S 350,000 independent rubber farmers hanging sheets of rubber to dry.



LIFE is published weekly by TIME Inc., 340 N. Michigan Ave., Chicago 11, Ill. Printed in U. S. A. Entered as second-class matter November 16, 1920 at the Postoffice at Chicago. Volume 31 2 December 17, 1951 25 under the act of March 3, 1879. Authorized by Post Office Department, Ottawa, Canada, as second-class matter. Subscription \$6.75 a year in U. S. A.; \$7.25 in Canada, Mexico 25

پروپاگانداى ضد کمونیستی بریتانیا در خلال وضعیت اضطراری در مالایا (۱۹۴۸-۱۹۶۰) با تصویری از یک سرباز مالایایی با این تیر در پایین تصویر که می‌گوید: «درخت کائوچو (منبع لاستیک طبیعی) سرپانگهدارنده دموکراسی است؛ هم برای مالایا و هم برای جهان.»

منبع: [Pinterest](#)

در هنگام «وضعیت اضطراری در مالایا»، بسیاری از قوانین محدودیت‌های زیادی را بر آزادی بیان و مطبوعات تحمیل کرده بودند. متأسفانه این وضعیت در دوران پس

از سال ۱۹۵۷ ادامه پیدا کرد. در پایان، قانون اساسی تنظیمی کمیسیون رید، که به وسیله پارلمان مالایا با عنوان «قانون استقلال» تصویب شد، از لحاظ تضمین حقوق و آزادی‌های بنیادین بسیار ضعیف بوده و همچنان هست. این قانون اساسی آزادی بیان، اجتماعات و مصونیت از بازداشت خودسرانه را ملحوظ کرده است، اما از آن‌جا که دادگاه‌ها از صلاحیت تضمین مطابقت قوانین عادی با این اصول برخوردار نیستند، این اصول هرگز به درستی اعمال نشده‌اند.^{۳۶}

سومین گذار، ۱۹۶۳-۱۹۵۷ و به انجام رسیدن «نقشه بزرگ» برای مالزی

در ۳۰ اگوست سال ۱۹۵۷، جمعیت عظیمی در میدان اصلی کوالالامپور گرد هم آمدند تا استقلال مالایا از بریتانیا را جشن بگیرند. هم‌زمان با پایین آوردن پرچم بریتانیا و برافراشتن پرچم مالایا، جمعیت به همراه تونکو عبدالرحمن، که تا آن زمان سر وزیر فدراسیون مالایا و از آن پس نخست‌وزیر این فدراسیون بود، فریاد «مردِ کا (استقلال)» سر دادند. تا به وجود آمدن مالزی هنوز شش سال دیگر فاصله بود؛ چرا که اکنون بریتانیا موفق شده بود در نقش میانجی، تونکو عبدالرحمن را به مذاکره با بروئی، بروئی شمالی، ساراواک و سنگاپور برای تشکیل یک فدراسیون بزرگ‌تر - که نهایتاً به نام فدراسیون مالزی در سال ۱۹۶۳ برپا شد - متقاعد سازد.^{۳۷} مع‌الوصف، عضویت سنگاپور به دلیل ترس تونکو عبدالرحمن و دیگر نخبگان مالزی از جاه‌طلبی‌های نخست‌وزیر سنگاپور و به هم خوردن توازن جمعیتی فدراسیون به سود جامعه چینی، منجر به اخراج سنگاپور از فدراسیون در ۱۹۶۵ شد؛^{۳۸} جامعه‌ای که از نظر اقتصادی و جمعیتی در آن زمان از جامعه مالایایی نیرومندتر بود.

علی‌رغم فراز و فرودهای فراوان در تشکیل مالزی، نیروهای بریتانیا در این

36. Harding, Andrew. *The Constitution of Malaysia* (2-5). (قانون اساسی مالزی).

37. Stockwell, A.J. *Malaysia: The Making of a Grand Design*

(مالزی: پیدایش «نقشه بزرگ»)، *Asian Affairs* (London) 34, no. 3 (2003): 232-233.

38. Cheong, Yong Mun. *The Political Structures of the Independent States.*»

In *The Cambridge History of Southeast Asia* «ساختار سیاسی دولت‌های مستقل»، در تاریخ

466-2:387. آسیای جنوب شرقی کمبریج. Cambridge: Cambridge University Press, 1993.

<https://doi.org/10.1017/CHOL9780521355063.008>. 409-415.

زمان موفق شده بودند که شورش کمونیستی را سرکوب کنند و «وضعیت اضطراری در مالایا» را به پایان برسانند. اکنون با تشکیل کشور جدید مالزی، سیاست بریتانیا در جامه‌عمل‌پوشاندن به «نقشه بزرگ» به نتیجه رسیده بود و این گونه نه تنها منافع اقتصادی بریتانیا حفظ شده بود، که کمونیست‌ها نیز به حاشیه رانده شده بودند. مالزی اکنون در راه تبدیل شدن به یک بچه‌ببر اقتصادی بود که بر خلاف بسیاری از هم‌تایان تازه‌استقلال‌یافته‌اش در آسیا و آفریقا که راه دولتی کردن صنایع و منابع طبیعی را در پیش گرفته بودند، نه تنها اجازه داد که کسب و کارهای تجاری غربی کماکان به فعالیت خود ادامه دهند، که راه اقتصاد آزاد سرمایه‌داری را به عنوان الگوی توسعه برگزید؛ الگویی که تا به امروز الگوی مسلط در مالزی است.

پس‌گفتار

مالزی در طول صد سالی که به برپایی این کشور مدرن در سال ۱۹۶۳ منجر شد، پیوسته در معرض تهدید بود؛ به واسطه مجموعه‌ای از عوامل گوناگون از تضاد منافع میان گروه‌های گوناگون گرفته تا تکثر قومی، حصول وحدت ملی و استقلال. در میان سده نوزدهم، قدرت‌های استعماری - یعنی هلند و بریتانیا که برای کنترل راه‌های تجاری و منابع طبیعی در رقابت بودند - بر منطقه استیلا یافتند. سلطان‌نشین‌های مالایا به جای مقاومت مسلحانه در برابر این سلطه‌جویی‌های خارجی، به مذاکره با استعمارگران دست زدند تا بلکه بتوانند در پوشش تحت‌الحمایگی به حیات خود ادامه داده و در عین حال از هر فرصت ممکن برای مشارکت در حکمرانی استفاده کنند.

با آغاز جنبش‌های ضداستعماری، نخبگان مالایا تاکتیک مشابهی را در پیش گرفتند، بدین معنی که به جای کشمکش با بریتانیا از این جنبش‌ها به عنوان اهرمی علیه بریتانیا برای حفظ مشروعیت خود بهره جستند. سرانجام، این نخبگان مالایایی و متحدان چینی و هندی‌شان بودند که با مذاکره فعال با بریتانیا و مداخله‌دادن عاملیت خود در بازیابی و شکل‌گیری «نقشه بزرگ» بریتانیا، این «نقشه بزرگ» را عملاً با بینش خود همگرا کردند و به آن شکل و محتوایی مالایایی بخشیدند.

همان‌گونه که گفته شد، پس از جنگ دوم جهانی، هنگامی که بر همه آشکار شد که دوران استعماری به پایان خود نزدیک می‌شود، نخبگان مالایا با تشکیل حزب اتحاد - که همانا ائتلافی بود از احزاب جوامع قومی چینی و مالایایی و هندی - راه دستیابی به استقلال و پس از آن را هموار کردند. حزب اتحاد در سال ۱۹۷۳ به حزب جبهه ملی تبدیل شد. هر چند اقدامات این حزب پس از گذشت نزدیک به هفتاد سال از فعالیت‌اش با روحیه همبستگی اقوام مورد ادعای آن هر از چندی در تضاد بوده - برای مثال خشونت‌های قومی پس‌انتخاباتی در مه ۱۹۶۹ میان چینی‌ها و مالایایی‌ها - اما این حزب رکورددار طولانی‌ترین حزب ائتلافی در دنیای دموکراسی‌ها با سابقه‌ای ۶۱ ساله (۱۹۵۷-۲۰۱۸) شد.

به هر تقدیر، مدل نظام سیاسی مالایا که در نتیجه مذاکرات نخبگان مالایا و بریتانیا پی‌ریزی شد، مثالی از توانایی یک جامعه چندقومی برای گذار مسالمت‌آمیز و پایدار به یک نظام فدرال مشروطه است. بر همین منوال، رهیافت نخبگان در همگراساختن جنبش‌های مردمی و نه سرکوب آن‌ها، نشان می‌دهد که چگونه جامعه‌ای با پادشاهی‌های تاریخی می‌تواند بدون این که خود را درگیر مناقشات خونین قومی کند، به نوعی نظام دموکراتیک گذار کند. بدین سان، علی‌رغم وجود عوامل چندی مانند سامانه نخبگان حاکم، که ممکن بود با مقاومت در برابر هر گونه تغییر در این جامعه چندقومی آتش یک جنگ داخلی را برافروزند، مالزی نهایتاً موفق به طی این مسیر شد. در پایان راه، کشوری مدرن، مستقل و دموکراتیک بنیان‌گذاری شد که می‌تواند مثالی باشد برای دیگر جوامعی که خواهان چنین گذار پایدار دموکراتیک و مسالمت‌آمیزی هستند.



The Malay Rulers and nobilities of Negeri Sembilan, Pahang, Perak and Selangor with British colonial officers during the first Durbar in Istana Negara, Kuala Kangsar, Perak, Federated Malay States, 1897. Source:

[Wikipedia](#)

Malaysia: 1870-1963

The Transition of the Colonial Vassals of Pax Britannica to the Stable Rock of Federal Constitutional Monarchy during the Cold War Introduction: The Malaysian Mosaic and the Multiethnic Challenge

For centuries, diverse ethnic groups and religions have crossed paths in the Malayan peninsula, making the region's

politics – and its transition to democratic governance – subject to competing interests that could easily have stymied the establishment of a constitutional monarchy. Nevertheless, after Britain gained a colonial foothold in the area in the 19th century, the various communities within Malaysia – from the sultans and aristocracy to popular movements, and from the Malay majority to the Chinese and Indian minorities – ultimately succeeded in establishing a fully-fledged federal constitutional monarchy. In a region often riven by political strife and autocracy, Malaysia, despite its shortfalls and challenges, has stood as an example of democratic governance, political stability, and sustainable economic growth.

Late Colonial Era to World War I: Colonial Vassals

For centuries, the area now known as Malaysia – the Malay Peninsula, a portion of the island of Borneo, and islands off Borneo’s coast – was a crossroads for diverse cultures and religions. As a key route on the maritime silk road, Malaysia attracted traders from across Asia and the Middle East, who both passed through the area and settled down to join the native Malay population, bringing with them influences from Hinduism, Buddhism, and Islam. By the 15th century, the Chinese empire and the kingdom of Siam (now Thailand) were competing for vassal clients among the region’s kingdoms, with China winning sway over the kingdom of Malacca on the west coast of the Malay Peninsula. This strategically-located kingdom

soon adopted Islam, which spread from the king and the elites to the broader population, then on to neighboring kingdoms thanks to Malacca's influential position as a locus of power and wealth. The Islamization of the region marked a religious and cultural paradigm shift away from Hinduism, Buddhism, and other non-Abrahamic Asian religions.¹

While this religious transition was underway, European explorers began turning their attention to Malaysia as a maritime route to Asia as well as a source of spices, tin, and other resources.² In 1511, the Portuguese seized Malacca, giving rise to a power struggle between other Malay kingdoms to fill the void left by Malacca. By the 17th century, the balance of power in the region had shifted towards the Dutch and their ally, the Johor sultanate; in the following century, Siam extended its control over north Malaysia.

With industrialization driving a spike in demand for resources from around the world, Britain began to grow more interested in Malaysia for its strategic location for British trade, beginning in the late 18th century. Meanwhile, friction between – and within – the diverse groups in the Malaysian peninsula was increasing,

1. Watson Andaya, Barbara, and Ishii, Youneo, "Religious Developments in Southeast Asia c. 1500-1800", in Tarling, Nicholas ed. *The Cambridge History of Southeast Asia*. Cambridge University Press, 1993. 508-567. <https://doi.org/10.1017/CHOL9780521355056>.

2. Andaya, Leonard Y., "Interactions with the Outside World and Adaptations in the Southeast Asian Society, 1500-1800", in Tarling, Nicholas ed. *The Cambridge History of Southeast Asia*. Cambridge University Press, 1993. 345-395 <https://doi.org/10.1017/CHOL9780521355056>.

as the growing Chinese population and their Malay neighbors clashed both internally and with each other over the wealth to be gained from local industries such as tin. Growing increasingly concerned over this instability and its economic ramifications, the British began exerting more direct control over Malaysia.

By the 1870s, Britain's colonial administration was managing the government across a number of Malayan sultanates. Ultimately, this was done via British "resident ministers," or advisors, who exerted power while being assigned to sultans who retained symbolic roles. In 1895-96, four Malayan states (Perak, Pahang, Selangor, and Negeri Sembilan) were brought together in a centralized group of federated states, which were subject to more direct British control than the unfederated Malay states (Johor, Kelantan, Kedah, Perlis, and Terengganu).

Having learned from their bloody experience with the 1857-58 Indian Rebellion, the British made concessions to win over local elites, including through pensions to the aristocracy; to protect some of the authority of the ruling sultans; and to grant legitimacy to the pre-colonial system of Islamic laws and court jurisdiction over matters of personal status and inheritance, while still imposing a British-style legal system.³

Although some armed resistance to colonialism did arise in the late 19th century, the British's efforts to co-opt the local elites

3. Trocki, Carl A. "Political Structures in the Nineteenth and Early Twentieth Centuries." In *The Cambridge History of Southeast Asia*, 2:79-130. Cambridge: Cambridge University Press, 1993.
<https://doi.org/10.1017/CHOL9780521355063.003>.

worked in their favor, as did their military might.⁴ Overall, anti-colonial sentiments at this time were relatively limited to mid-ranking authorities, though local populations tended to perceive their discontent as merely self-interested longing to restore their lost status.⁵ Some British officials believed some rebellions, such as the 1890-95 revolt in Pahang, were due to some sultans' dissatisfaction with their weakened position.⁶ That said, some sultans, particularly those of the unfederated Malay states such as Johor, were able to operate with a semblance of independence within the British Malay order, as demonstrated by Sultan Abu Bakar of Johor's establishment of the first written constitution among the Malay states in 1895.⁷

At the popular level, in contrast to the Dutch colonial rulers of Java and Sumatra who had banned the *hajj* (pilgrimage to Mecca), the British not only allowed the *hajj* but also accommodated Muslim Malaysians' annual voyages to Mecca

4. Hirschman, Charles. "The Making of Race in Colonial Malaya: Political Economy and Racial Ideology." *Sociological Forum* 1, no. 2 (1986): 330-61. <https://faculty.washington.edu/charles/new%20PUBS/A51.pdf>.

5. Fauzi Abdul Hamid, Ahmad. "Malay Anti-Colonialism in British Malaya: A Re-Appraisal of Independence Fighters of Peninsular Malaysia." *Journal of Asian and African Studies* (Leiden) 42, no. 5 (2007): 371-98. <https://doi.org/10.1177/0021909607081115>.

6. Smith, Simon C. "Moving a Little with the Tide': Malay Monarchy and the Development of Modern Malay Nationalism." *Journal of Imperial and Commonwealth History* 34, no. 1 (2006): 123-38. <https://doi.org/10.1080/03086530500412165>.

7. Stilt, Kristen. "Contextualizing Constitutional Islam: The Malayan Experience." *International Journal of Constitutional Law* 13, no. 2 (2015): 407-33. <https://doi.org/10.1093/icon/mov031>.

via the British naval monopoly of Thomas Cook & Son.⁸ This was another concession that helped limit the spread of anti-colonial opposition, as much of the population did not find the British presence in the area to be very objectionable.

Beginning in the early 20th century, anti-colonial sentiments evolved out of a growing ideal of pan-Islamic identity that was influenced by Malays' *hajj* encounters with other pilgrims, the return of Malay students from Middle Eastern Islamic schools, and the pioneering non-Malay Chinese and Indian press, which increasingly critiqued British policy and raised political consciousness among readers.⁹ Meanwhile, as Malay civil servants increasingly received a modern education, local capacity for administration grew, paving the way for eventual self-rule.¹⁰

Dragged-out Decolonization: Transition to Federated Protectorates

Until World War I, the British empire's success at coopting the sultanates as their rentier clients outweighed any nascent nationalist call for self-determination. However, at that point,

8. Slight, John, "British Colonial Knowledge and the Hajj in the Age of Empire", Ryad, Umar, *The Hajj and Europe in the Age of Empire*, Leiden: Brill, 2017.

9. Azizzuddin Mohd Sani, Mohd. "Free Speech in Malaysia: From Feudal and Colonial Periods to the Present." *Round Table (London)* 100, no. 416 (2011): 531–46. <https://doi.org/10.1080/00358533.2011.609694>.

10. Noh, Abdillah. "Malay Nationalism: A Historical Institutional Explanation." *Journal of Policy History* 26, no. 2 (2014): 246–73. <https://doi.org/10.1017/S0898030614000050>.

two key developments persuaded the British colonists that the regional status quo was increasingly untenable. In the wake of World War I, Britain's fiscal coffers were almost empty, and its government was desperate to cut back on the administrative and defense budgets of its many colonial territories. Moreover, unrest was on the rise among the British empire's far-flung subjects; they were increasingly demanding home rule or outright independence as Woodrow Wilson's "self-determination" rhetoric echoed globally.¹¹

Britain thus began a long process of decolonization that extended decades past the interwar period, accelerating at the dawn of the Cold War. Even as the British pursued decolonization, they still hoped to implement a "Grand Design" whereby the British Malay colonies would preserve British trade interests and act as a bulwark against the expansion of communism in the region.¹²

Interwar Era to 1945: Rise of Urban Working and Middle Classes and Civil Society

Between 1910-21, the increasing migration of Chinese workers to the Malay peninsula proved to be a turning point in the region's identity politics. Having witnessed the deference (however limited) paid by the British to Malay sultans, Malay-

11. Kratoska, Paul, and Ben Batson. "Nationalism and Modernist Reform." In *The Cambridge History of Southeast Asia*, 2:249–324. Cambridge: Cambridge University Press, 1993.

<https://doi.org/10.1017/CHOL9780521355063.006>.

12. Ibid.

born Chinese communities began expecting more participation in local affairs. From the 1930s onwards, various ethnic-based community groups and associations began to form and to voice their demands for improvement in a host of areas, from equal opportunity in the colonial administration's civil service to better conditions for workers and improved municipal services.¹³ Malay, Indian, and Chinese groups included community associations, urban civil society organizations, newspapers, and business and professional associations, and each group pursued their respective demands for the betterment of their lot in the greater colonial order.¹⁴ These efforts stemmed in part from the British administration's pro-Malay policies.

Meanwhile, a local Muslim youth association, *Kaum Muda*, began promoting the value of political freedom via religious publications such as *Al-Imam* magazine, founded in 1906. Newspapers were flourishing as a megaphone for many groups demanding change in local governance and the British colonial administration. Indeed, these newspapers galvanized public

13. Hutchinson, Francis E. "Malaysia's Independence Leaders and the Legacies of State Formation Under British Rule." *Journal of the Royal Asiatic Society* 25, no. 1 (2015): 123–51.

<https://doi.org/10.1017/S1356186314000406>. Also see Rusenko, Rayna M. "Imperatives of Care and Control in the Regulation of Homelessness in Kuala Lumpur, Malaysia: 1880s to Present." *Urban Studies* (Edinburgh, Scotland) 55, no. 10 (2018): 2123–41.

<https://doi.org/10.1177/0042098017710121>.

14. Lees, Lynn Hollen. "Urban Civil Society: The Context of Empire." *Historical Research: the Bulletin of the Institute of Historical Research* 84, no. 223 (2011): 135–47.

<https://doi.org/10.1111/j.1468-2281.2009.00537.x>.

opinion to the extent that the British restructured the federal council they had formed prior to the war. Its original purpose had been to give representation to British planters and businesses, but now its membership was adjusted following media demands that the council include Indian and Chinese representation.¹⁵ As the British empire emerged from World War I shaken, yet not completely bankrupt, it used its policy of coopting local populations to simultaneously meet its need to fill lower-ranking administrative positions in the Malayan Administrative Service (MAS). Having achieved great success in coopting local elites, the British now began working to coopt the subjects of the sultanates as well. The formation of local legislative councils with limited power to oppose British authorities allowed for some semblance of native participation in their own affairs.¹⁶ Additionally, the British began to integrate both aristocratic and educated youth, including college graduates, into their administrative service. Indeed, decades later a number of these college graduates who started their public service careers in MAS would go on to found the nationalist political party United

15. Fook-Seng, Philip Loh. "Malay Precedence and the Federal Formula in the Federated Malay States, 1909 to 1939." *Journal of the Malaysian Branch of the Royal Asiatic Society*, 45, no. 2 (222) (1972): 29–50. Accessed August 16, 2021. <http://www.jstor.org/stable/41492059>.

16. Trocki, Carl A. "Political Structures in the Nineteenth and Early Twentieth Centuries." In *The Cambridge History of Southeast Asia*, 2:79–130. Cambridge: Cambridge University Press, 1993. <https://doi.org/10.1017/CHOL9780521355063.003>.

Malays National Organization (UMNO).¹⁷

The Rise of Malay Working Professionals and Colonial Civil Servants

Thanks to the decentralized nature of British indirect rule, even though both the federated and unfederated Malay states were groups of protectorates, the federated states enjoyed their own state councils, laws, court systems, and supreme courts – all as a burgeoning Malay elite in those states began to develop a sense of common identity through history, religion, culture, and geography.¹⁸ When the British sought to centralize all administration of both federated and unfederated states in 1930 in Kuala Lumpur, the unfederated sultans revolted in fear that it would reduce the limited autonomy they still retained. As a result, the British ultimately implemented their plans in a more piecemeal manner. This provided a window of opportunity for the professionalization of the Malay public service; by the dawn of World War II, the civil service was staffed by educated and professionally successful employees who believed their administration was ready for self-rule.¹⁹

17. Hutchinson, “Malaysia’s Independence Leaders and the Legacies of State Formation Under British Rule.” 129-134.

18. Ibid.

19. Noh, Abdillah. “Malay Nationalism: A Historical Institutional Explanation” 246-73 .«.

The First Transition, 1945-48:

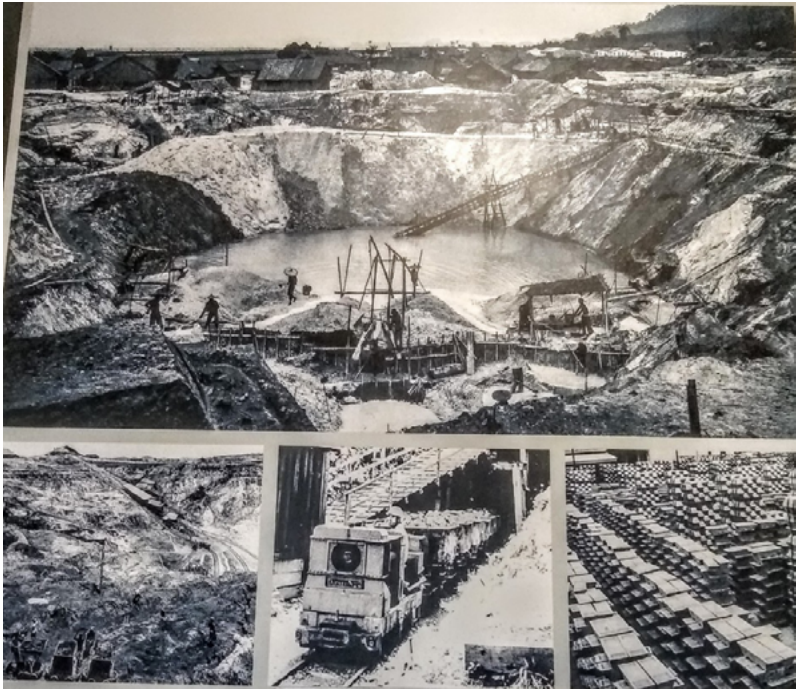
Negotiating Independence

The Japanese occupation of the Malayan archipelago between 1941-45 marked a watershed moment for both elite and popular attitudes towards decolonization in the region. Even though the Japanese presented themselves as liberators under the banner of pan-Asianism, ultimately, the local population saw little difference between them and the British in terms of colonial imperialism. Additionally, Japanese occupation policies, including favoritism towards the Malay population, sparked increased nationalism among each ethnic group in the area. 1946-48 was yet another turning point for nationalist and populist politics in Malaya. Clement Attlee's Labor government was bent on granting home rule or independence to many British colonies, and Malaya was no exception.²⁰ If Malay states had been dominated by the British residents-general and the sultans until this point, from this point onwards they would be dominated by the aristocratic, elite political leaders of right-wing nationalist parties.

In 1946, Britain announced its plan to unify all the Malayan states under a new, centralized Malayan Union - and met with a swift and negative reaction. Malaya's various nationalist factions, dominated by the sultanate aristocracy, followed the sultans' lead, refusing to sign away their powers to the central

20. Stockwell, A. J. "MERDEKA! Looking back at Independence in Malaya, 31 August 1957." *Indonesia and the Malay World* 36, no. 106 (2008): 327-44. <https://doi.org/10.1080/13639810802450308>.

government. The opposition soon took the form of national resistance, as the people did not trust the new proposed order and preferred to stick to their traditional states. Hence, the British withdrew this proposal. The elite, which had lagged behind the public in calling for outright independence, now formed the United Malays National Organization (UMNO). The Indian community formed the Malayan Indian Congress (MIC) at the same time and by 1949, the Chinese community had followed suit with the Malayan Chinese Association (MCA). After dropping the proposed union, the British engaged UMNO in negotiations.



Tin mine in Perak in 1906 British Malaya, Source: [Britishmalaya](#)

Meanwhile, the region's communists were preparing for a guerilla war against the British. As tin and rubber had become the main revenue-generating commodities in British Malaya, communism had won over many Chinese workers, who joined Malay Communist Party legions which had collaborated with a handful of British special forces and waged a grueling guerrilla campaign against the Japanese in the early 1940s.²¹ Although

21. Belogurova, Anna. "The Chinese International of Nationalities: The Chinese Communist Party, the Comintern, and the Foundation of the Malayan National Communist Party, 1923–1939." *Journal of Global History* 9, no. 3 (2014): 447–70.

<https://doi.org/10.1017/S1740022814000205>.

the British showered the communist guerrilla leaders with medals and recognition, the 1946 onset of negotiations between the British and UMNO for gradual independence was an ominous signal to the communists that the country was taking a turn to the right. They began retreating to the jungle to dig out the arms they had buried after the war and regroup. In 1948, the communists launched a guerrilla war to win independence under communist leadership. Labeled the Malayan Emergency by the British, the insurgency continued until 1960.²²

As urban populations joined the various parties fighting for a place at the negotiation table, newspapers became a key medium of expressing competing views on the structure of post-colonial Malaya.²³ As the Malayan aristocracy at the helm of UMNO presented themselves as the true champions of Malay self-determination, they blamed the sultans for the colonial-era treaties that had privileged British interests over Malayan ones. In turn, the sultans joined the nationalist movement, albeit a more conservative variation of it.²⁴

For their part, the diverse populations of the area feared and distrusted each other, with Malayan nationalists determined to protect their interest from Chinese and Indian communities even as those minorities feared being relegated to second-class

22. Azmi Arifin. "Local Historians and the Historiography of Malay Nationalism, 1945-57: The British, The United Malays National Organization (UMNO) and the Malay Left." *Kajian Malaysia: Journal of Malaysian Studies* 32, no. 1 (2014): 1-35.

23. Azizuddin Mohd Sani, 533-537.

24. Smith, 130-133.

status.²⁵ There was also a degree of opposition to the concept of a universal Malay identity; for instance, in 1946, Johor civil servants launched mass protests in opposition to their sultan, accusing him of having violated the state constitution by agreeing to join the negotiations with the British for the formation of a Malay Union.²⁶

As negotiations dragged on from 1946 into 1947, the All-Malay Council of Joint Action, another coalition of activist groups, proposed a popular constitution wherein Islam would be the official religion and all the sultanates would be retained with their respective jurisdictions within the federation.²⁷ The result of the 1946 negotiations was the establishment of the Federation of Malaya in February 1948. This new federation provided special guarantees for the rights of the Malay population, including the sultans, and contributed to the subsequent formation of the Malayan National Liberation Army (MLNA) by the communists, who would wage war on the British and the newly formed federation.

The Second Transition, 1948–1957; From the Malayan Emergency to Constitutional Dialectics of Malayan Independence-Merdeka!

The 1952 Kuala Lumpur municipal elections presented a

25. Amoroso, Donna J. "Dangerous Politics and the Malay Nationalist Movement, 1945–47." *South East Asia Research* 6, no. 3 (1998): 253–80. <https://doi.org/10.1177/0967828X9800600303>.

26. Hutchinson, 145.

27. Harding, Andrew. *The Constitution of Malaysia: a contextual analysis*. Oxford: Hart Publishing, 2012. 25.

major challenge to the ideal of upholding a united front towards independence in Malaysia, as the political parties representing their respective ethnic groups ultimately won by forming a coalition rather than by uniting under the banner of a single multi-ethnic party (which is what UMNO's previous leader, Datuk Onn Jaafar, had desired, in order to transform his party into one for all residents of Malaya). The UMNO and MCA ran on the same ticket, which MIC joined later; together, these parties of the Malayan, Chinese, and Indian communities formed the Alliance Party. In the first federal legislative council election, in 1955, the Alliance won 51 of 52 seats, placing itself at the forefront of transitional negotiations for full independence, which included establishing a commission for drafting the constitution.

Following the 1948 communist insurrection, the British were intent on ensuring that Malaya would be both a secure place for their business interests and a reliable bulwark against militant communist expansion.²⁸ In fact, the local and federal legislative council elections undermined much of the communists' appeal. By 1952, a number of factors had combined to help the British sideline communist influences in Malaya: communist guerrilla tactics intended to force collaboration from rural residents had sparked resentment, British propaganda had influenced the population, relentless counter guerrilla warfare had pushed the

28. Stockwell, A.J. "Malaysia: The Making of a Grand Design." *Asian Affairs* (London) 34, no. 3 (2003): 227-42. <https://doi.org/10.1080/0306837032000136279>.

communists deeper into the jungles, and the British had also resettled many “squatters” onto sultans’ crown land from rural areas where they had given the communists support.

During negotiations for interethnic citizenship in the mid-1950s, the British found themselves in the impossible position of acting as a mediator between the Chinese, the Malay and the Indians, and British business interests - all at a time when Britain was eager to rid itself of its colonial entanglements and focus on its Cold War and economic objectives.²⁹ UMNO’s leader, Tunku (Prince) Abdul Rahman (brother of the Sultan of Kedah, and therefore himself personally invested in the sultanates), pursued a two-pronged agenda of keeping the traditional sultanate states while unifying under a federal government and privileging Islam as the state religion.³⁰

29. See White, Nicholas J. “British Business Groups and the Early Years of Malayan/Malaysian Independence, 1957-65.” *Asia Pacific Business Review* 7, no. 2 (2000): 155-76. <https://doi.org/10.1080/713999080>. and Stockwell, A.J. “Malaysia: The Making of a Grand Design.”

30. Harding, Andrew. *The Constitution of Malaysia*. 25.



Tunku Abdul Rahman during the Proclamation of Independence in 1957 – Merdeka! Merdeka! Merdeka!, Source: [Cloudfront](#)

In 1956, an independent commission was formed to develop a constitution for an independent Malaya. Headed by Lord Reid, the commission included two jurists from India and Pakistan and two others from Britain and Australia. It received input from a range of Malayan stakeholders: the sultans and aristocracy, political parties, and religious groups, namely the Malay Christian Council and the Muslim Association of Malaya.³¹ Ultimately, the constitution established an electoral constitutional monarchy wherein the head of state is elected from among

31. Ibid.

the nine rulers of the founding states of the federation. This constitutional monarch's role is largely ceremonial. The parliament established by the constitution consists of two chambers: the *Derwan Rakyat* or lower house, which is directly elected and holds almost all powers concerning legislation, and the *Derwan Negara* or upper house, whose members are appointed by the legislative assemblies of each state. State legislative assemblies have parallel jurisdictions to the federal parliament, with similar parallel jurisdictions for criminal and civil *Sharia* laws and courts.³² Finally, the constitution granted suffrage to all citizens of 21 years of age and up.³³

Establishing a multiethnic federation as one nation-state wherein no ethno-religious group enjoyed a majority proved to be the sticking point for the Reid Commission. From the outset, Muslim groups, with strong pan-Islamic influences dating back to the late 19th century, demanded an establishment clause declaring Islam the official religion of the state. They also demanded that non-Muslims be refused citizenship unless they proved their loyalty to the new state across political, cultural, and educational spheres.³⁴ The sultans and aristocracy, as well as Christian leaders, opposed these demands. The former believed that Islam was already established as the official state religion in each state's constitution, so an establishment clause

32. Ibid.85-111.

33. Ibid. 161-192.

34. Stilt, "Contextualizing constitutional Islam", 410-420.

in the federal constitution would infringe on their jurisdictions. The latter argued that even though no other religion enjoyed majority status in the country, neither did Islam, since Muslims made up less than fifty percent of the population.

In the end, it was upon the insistence of the Pakistani jurist that the establishment clause became the cornerstone of citizenship in the newly established state, declaring Islam to be the official state religion while also recognizing the freedom of non-Muslims to practice their faiths in peace.³⁵ The 1957 constitution also declared Malay to be the official state language, while allowing minorities freedom to teach and learn their languages. As such, it fulfilled the Alliance Party's goals.

35. *Ibid.*, 421-429.

“MINUTE MAN” IN MALAYA

This young Malayan soldier is guarding a strategic area. Not an arsenal, not an atom bomb plant — but, in its own way, just as important to the United States.

The “protected place” is a large rubber plantation in Malaya. Today, the freedom-loving people of Malaya are waging a bitter shooting war with hit-and-run Communist bandits who are bent on disrupting the country’s vital natural rubber production.

Malaya supplies nearly half of the world’s natural rubber. The lack of such rubber would affect the security of all the free nations.

In spite of the severe handicaps of trying to fight a jungle-hidden enemy, Malaya has succeeded in stemming the Communist tide. Malayan rubber production has been maintained. The rubber planter continues to work his rubber land, though it means risking his life every hour of the day and night.

In their fight against the Communists in Malaya, the people of this important Southeast Asian country are maintaining an outpost of freedom and democracy in the very shadow of the Iron Curtain.



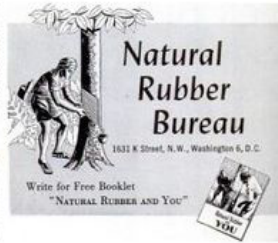
RUBBER TREES SUPPORT DEMOCRACY—FOR MALAYA and THE WORLD



RUBBER COOPERATIVES have central processing plants which bring smallholders better prices.



ONE OF MALAYA'S 350,000 independent rubber farmers hanging sheets of rubber to dry.



2 LIFE. LIFE is published weekly by TIME Inc., 340 N. Michigan Ave., Chicago 11, Ill. Printed in U. S. A. Entered as second-class matter November 16, 1938 at the Postoffice at Chicago, Volume 31 December 17, 1952 Ill. under the act of March 3, 1879. Authorized by Post Office Department, Ottawa, Canada, as semi-class matter. Subscription \$6.75 a year in U. S. A.; \$7.25 in Canada, November 25

British Cold War Anti-Communist Propaganda publication during Malayan depicting Malayan Soldier- Rubber trees support ,1960-1948 ,Emergency democracy- for Malaya and the World, Source: [Pinterest](#)

During the Malay Emergency, many laws had placed restrictions on freedom of speech and the press. They were now left intact and carried over to the post-1957 era. The constitution, as submitted by the Reid Commission and adopted by the Federation of Malay Parliament as part of the 1957 Independence Act, was extremely thin in terms of guaranteeing fundamental rights and liberties. It recognizes freedom of speech, freedom of assembly, and freedom from arbitrary arrest, but largely as theoretical principles; it does not allow courts any jurisdiction to review the constitutionality of laws that might infringe upon such freedoms.³⁶

The Third Transition, 1957-63, and the Fulfillment of the “Grand Design,” Malaysia

On August 30, 1957, crowds gathered in Kuala Lumpur’s main square to celebrate Malaya’s official independence from Britain. The British flag was lowered and the new Malayan flag was raised as the crowd, led by Prince Tunku Abdul Rahman, chanted “Merdeka!” - “Independence!” The creation of Malaysia would drag on another six years as the British managed to convince the Tunku to consider negotiations with Brunei, North Borneo, Sarawak, and Singapore. With the exception of Brunei, all of these states joined the Malay Federation and formed the state of Malaysia upon British mediation in 1963.³⁷ However, fearing the ambitions of Singapore’s prime minister and the possibility

36. Harding, Andrew. *The Constitution of Malaysia*. 2.5-

37. Stockwell, A.J. “Malaysia: The Making of a Grand Design.” 232-233.

of the Chinese population of Singapore and the Malay states forming a demographically greater and economically stronger component of Malaysia, Tunku Abdul Rahman expelled Singapore from the federation by 1965.³⁸

Despite the ups and downs of the establishment of Malaysia, British forces had by now managed to completely quell the communist insurgency, and the Malay Emergency was over. Now that Malaysia was established as a new state, the British “Grand Design” vision had been realized, with British economic interests preserved and communism sidelined. Malaysia was on its path to become an “Asian cub” that – unlike many of its newly independent counterparts in the Asian and African world – refrained from nationalizing industries, thus leaving Western business interests intact, and also maintained a capitalist economy that continues today.

Conclusion

Over the century leading up to the founding of the modern state of Malaysia in 1963, a broad range of competing interests and demographics posed a potential threat to national unity and independence. In the mid-19th century, European colonial powers dominated the region, with the British and Dutch competing for strategic trade routes and access to profitable

38. Cheong, Yong Mun. “The Political Structures of the Independent States.” In *The Cambridge History of Southeast Asia*, 2:387–466. Cambridge: Cambridge University Press, 1993.

<https://doi.org/10.1017/CHOL9780521355063.008>. 409-415.

natural resources. For their part, rather than directly resisting foreign encroachment, the Malay sultanates generally opted to negotiate the terms of their vassal status and seek participation in government wherever possible. Meanwhile, Malay elites tapped into anti-colonialist movements in their midst; again, rather than coming into conflict over diverging goals, they successfully leveraged those movements against the British and as a means of preserving their own legitimacy. Ultimately, the Malayan elites, through their active participation, managed to exercise agency in the shaping and re-shaping of the British “Grand Design,” effectively co-opting it to fit their vision, and consequently, giving “the Grand Design” a Malayan form and substance.

After World War II, it soon became clear that Malaya’s colonial status would come to an end one way or another – and the Alliance Party established the template for the path to independence and beyond, by forming a coalition of separate parties representing the Malay, Chinese, and Indian communities, rather than via a single multiethnic party. The Alliance Party transformed into the National Front in 1973, and between 1957 and 2018, it became the longest-ruling coalition party in the democratic world. The Alliance/National Front’s practices have sometimes fallen short of the intercommunal spirit it professes, and inter-ethnic conflict has erupted into violence, as in the “May 13, 1969 incident” of Sino-Malay post-election riots.

Nevertheless, the political model established prior to Malaysia's independence offers an example of how a multiethnic society can transition into a stable federal constitutional monarchy. Likewise, the model of elites coopting popular movements rather than attempting to stamp them out demonstrates how a society organized around traditional monarchs can transition into a more democratic form of government without massive upheaval or civil strife. Despite a number of factors that could have stymied a peaceful democratic transition, from an elite power structure that could have resisted all change to a multiethnic demographic that could have clashed in civil war, Malaysia ultimately succeeded in traversing the road to a modern, independent, and democratic state that can offer a model for others seeking to follow the same path.